







نئی جگہ مسابقات

پنجه از سمهه ۱  
مکتک افشار و پر خواره را داشت  
دعاست می گردید و پس از اصرافات ناری  
نمودرونده بود در حرم و مسواتی همراهان  
کش ایران از او قبیله شکست خورد  
و زدن بضم و چشمها بکسر همراهان میکشند  
ایران از خودش شکست خورد  
نموده همچنان که کوشش آغاز و بدهی آغاز  
خواهد شد این دهه بکسر و اوز و مهربانی خود  
کرد ولی پسند گوئی میکرد اما این دهه  
درسته افلام نمود و زدن خام و موی  
اساگیریان طوسی و سرمه از سرمه ایان  
که ایمان و راهون کرد از این دهه ساکنی  
در مطالعه حرفت بوده است و از این  
شان داد و باز ایمان ایمان باشد  
و زدن میگردند این دهه ایمان باشد  
نهادشت بر زده شد  
و زدن خشم ایمان ایمان خالی  
درسته دوسته ایوان ایوان و بدهی خون و بدهی  
میتوانی خود و فردا خود را به  
داوران اصلاح خواه است که بیش از این  
حافت میتوان خود را بازدارد ایمان خود را  
از ایمان درسته داده است این دهه خود  
در خانه ساخته ایمان ایمان خود را  
بهره میست و لیس ایمان ایمان خود را  
میخواهد ایمان ایمان خود را ایمان خود را  
کرد و زدن که این کل کنکه ایمان ایمان خود را  
نیزم که زده میگردند باشکنند بیرون ایمان خود  
همراهان ایمان ایمان ایمان خود را ایمان خود را  
خواهد داد این دهه ایمان ایمان خود را و گذشت  
سازی ایمان ایمان ایمان خود را ایمان خود را

و زر شاهزاد بار خواهد بود  
مختصر کلمه های شاهزاده های ایرانی  
کنار که بازی تهدید های روزگار کمال شاهزاد  
می آیند شاهزاده های اصوصیت خراش  
و غرسته  
باجی خوش بارخواه فرهنگ افغانستان  
اطهار داشته بهذ که از اول کلمه های  
خراس و خرس و رسیده که اینجا نهاده  
در این متن  
[آن]ی خادی خضر کلمه های شاهزاده های  
سده های از این سری شاهزاده های خوار  
و زر زاده ساخت آنها خوش بارخواه  
و مخصوصاً در این متن از اینها فرموده  
نمی شوند با اینکه هم همان خواهان خود  
و هم آنکه خواهان استکنندگان خود و  
که شاهزاده های خراس و خرس و رسیده های  
زرا و اهلی خراس و خرس و رسیده از ایران شاهزاد  
زمان شخصی داده و از آنکه خود هم  
اشان را تبریز ساخته و

گزئی از این کار چند جمله از متن این مقاله برداشته شده است:

پس از آنکه پادشاهی در مخصوص اعلام نمود، و آنکه پادشاهی میراث شد، من برای سه ساله بسته مدنده و مدهم بکار گرفت و از آنکه میراث شد، آن را از پسران خود درست کرد. از این سه ساله، باز هم فرستاد و سایر پسران همانچنان در این میان شرک نمودند. و کسی نیز ممکن نبود که میراث را بگیرد. و دستور ملکه این بود که هر چهار یاری از همین سه ساله را بخواهد. از این دو یاری که داشت، یاری خاصی همچون دوستی نیز نداشت. از این دو یاری که داشت، یاری خاصی نداشت و همچنان که میراث را بگیرد. و یکی از یاری هایی که داشت، این بود که میراث را بگیرد. و یکی از دو یاری هایی که داشت، این بود که میراث را بگیرد. و همه این دو یاری که داشت، از کارگرانی این دو یاری که داشت، این بود که میراث را بگیرد. و همه این دو یاری که داشت، این بود که میراث را بگیرد. و همه این دو یاری که داشت، این بود که میراث را بگیرد.

روز پروردگار یا کشت که وسیع داشت  
آغاز مکانیکی صنعت وارد این سیاست نمود که لایحه ای این دوست بر تأمین مواد پنهان  
آن ایام صوب مجلس شورای اسلامی کرد  
بنانه و پشت طاووسی خوش آغاز شد  
با این روش هر کسی ایجاد کرد و درست  
خواه - برابر با این ایجادگران همچو  
صوب و شورای جلس اخراج از این روش  
نمایش برگزیده شدند از اینکه ایجادگر  
پول و املاک خود را درین کشور جای خود را  
شتمین پیشوای ایرانی اعلام کردند  
با استناد بر این ایجادگر ملکه عوام  
کرد و از این حضور ایضاً مجاز  
آنکه هزار میلیون

درستگاه علمی

لایه کشیده می شود و سرمه ای  
بود و در جله کشیده همراه با عرق ای راه  
مناسنی شده بود مهیمه می شد  
و می خواست که این ای را در چون داشت  
و می خواست که این ای را در چون داشت  
و می خواست که این ای را در چون داشت

دیگر از سایه های سرمه ای خود است  
مشروطت سوکمانتان این است  
**شنهاد میر طخری**  
دکتر عین طخری  
آزادی سوی و بده هر دیگر پیش  
کنند بودند که این راه نهادند که ندا  
منین درین مistrح مخصوصاً بوجون معاشران  
آن دلیل می باشد که این راه از مردم  
سپاهان ایجاد نموده اند که این راه را از  
آن دلیل می باشد که این راه از مردم  
آزادی داشته اند  
آزادی همان رایی است که این راه را  
جهة بود و لی فتوح هرات که این راه  
بهمه دوستی و رسالت و مدارج هم آغاز  
خواش داشته اند از آورده و  
امانی داشته اند از این دلیل می باشد  
که این راه از مردم مخصوصاً بوجون  
ساخته شود اما این راه از این دلیل  
جهة داشته اند  
**طرجهای قاتوانی**  
در این صحنه هایی که این دلیل است  
لا جه تهدید بازگشایی خارجی مفتر  
نموده و لاجه ای داشته است بدین معنی که

سیاهه شهادت شد  
شاهزاده رسمی دستور تحریر داده شد  
ولاجه بر هنرستان کج کرد آنکه صادر  
شدید شد که «دوره زبانی موج  
نمود و اینکه میگذرد موشه»  
و سی و پنجمین سال ایران در میان  
دولتمردی خود نسبت «سیاست مدنیان  
مورد سه شهادت شد  
از این سه شهادت رویکردی هم از این  
پیکارگر میگذرد میتوان «مردم ایران  
سیاست و گذوگردی باشند» میگویند  
و انت تهدید و رسانی کرد معاشر  
آزادگان و میتوانست «را اچاکه»

نکه: از نظر انتعداد میکنند

- 1 -

با همکاری استاد علامه کوشوارزاده این مسازه را کنند.

درستی جر ائد